



An Exposition of the Effects of Having a Good Opinion of God in the Teachings of the Martyred Leader of the Revolution and Allameh Tabataba'i

Najibeh Honarvar^{a*}, Mahdieh Gheinarlou^b

^a Assistant Professor at Islamic Azad University and Lecturer at Al-Zahra Seminary, Khoy, Iran; najibeh.honarvar@gmail.com

^b Fifth grade, level two, Al-Zahra Seminary, Khoy city, Iran; mhdyhqynrlw@gmail.com

Abstract

Owing to the great value and significance of positive thinking and good opinion (ḥusn al-ẓann) in all affairs, as well as its blessed consequences – including the health and tranquility of the individual and society's soul and psyche – this research is devoted to the subject of good opinion (ḥusn al-ẓann). This virtue, in all its dimensions, encompasses good opinion of God, of oneself, of one's fellow human beings, and of the created world. In religious teachings, this trait has been recommended as a prominent virtue, while pessimism and ill opinion (sū' al-ẓann) have been forbidden in the believing community. Given the importance of this topic and the necessity of maintaining good opinion of God, both 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī and the Supreme Leader have attended to it and pointed out its effects. Accordingly, this research aims to elucidate the effects of good opinion of God from the perspectives of the Supreme Leader and 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī. It concludes that, in the view of these two Shi'i scholars, "good opinion" brings about valuable consequences for human beings, such as security and

Article history:

Received:

10/02/2025

Revised:

16/02/2025

Accepted:

18/02/2025

Published online:

07/03/2026

* corresponding author, ORCID: 0000-0001-5662-0928

comfort of the people, inner peace, satisfaction with life, and otherworldly felicity. Entertaining a good opinion of the Exalted Lord is a praiseworthy matter and effective in fulfilling needs and desires. This research has been conducted using a transmitted-descriptive (naqlī-tawṣīfī) method.

Keywords

Ḥusn al-Zann (Good Opinion), Optimism, Positive Thinking, Peace of Mind (Tranquility of the Soul), ‘Allāmah Ṭabāṭabā’ī.



دانشگاه تهران، پژوهشگاه علوم و معارف
موسسه آموزش عالی طبرستان



تبیین آثار حسن‌ظن به خدا در کلام رهبر شهید انقلاب و علامه طباطبائی

نجیبه هنرور^{۱*}، مهدیه قینرلو^۲

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی و مدرس حوزه الزهراء خوی، ایران؛ najibeh.honarvar@gmail.com

۲. پایه پنجم سطح دو حوزه علمیه الزهراء شهرستان خوی، ایران؛ mhdyhqynrlw@gmail.com

چکیده فارسی

به‌دلیل ارزش و اهمیت والای مثبت‌اندیشی و خوش‌گمانی در تمام امور و پیامدهای مبارک آن از جمله سلامت و آسایش روح و روان فرد و جامعه، موضوع این تحقیق به خوش‌گمانی (حسن‌ظن) اختصاص یافته است. این صفت با تمام ابعاد خود شامل حسن‌ظن به خدا، به خود، به همنوع و به جهان آفرینش می‌شود. در آموزه‌های دینی، این ویژگی به‌عنوان صفتی برجسته توصیه شده و از بدبینی و سوءظن در جامعه ایمانی نهی شده است. با توجه به اهمیت این مقوله و لزوم داشتن حسن‌ظن به خدا، علامه طباطبائی و رهبر شهید انقلاب نیز به آن توجه نموده و به آثار آن اشاره کرده‌اند. از این‌رو، این تحقیق با هدف تبیین آثار حسن‌ظن به خدا از منظر رهبر شهید انقلاب و علامه طباطبائی انجام شده است و به این نتیجه رسیده است که در نگاه این دو عالم شیعی، «حسن‌ظن» پیامدهای ارزشمندی همچون امنیت و آسایش مردم، آرامش درونی، رضایت از زندگی و سعادت اخروی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. خوش‌گمانی به پروردگار متعال امری پسندیده و برای برآورده شدن حوایج و خواسته‌ها کارآمد است. این تحقیق با روش نقلی-توصیفی انجام شده است.

واژگان کلیدی

حسن‌ظن، خوش‌بینی، مثبت‌اندیشی، آرامش روح، علامه طباطبائی.

مقدمه

یکی از آداب بسیار مهمی که انسان‌ها می‌توانند در ارتباط به خداوند آن را رعایت کنند حسن‌ظن به خداوند تبارک و تعالی است. انسان‌ها باید به رحمت و مغفرت بی‌نهایت پروردگارشان ایمان بیاورند و هیچ ظن بدی نسبت به آن نداشته باشند. باید بنده‌ها به این نکته توجه داشته باشند که هرچه بدی و شر هست از جانب خود اوست و لاغیر؛ چرا که خداوند خیر محض و نور محض است و جز خیر و نور از او چیزی صادر نمی‌شود.

با لحاظ جمیع روایات این را در می‌یابیم که خود خداوند نیز این را می‌پسندد که به او حسن‌ظن داشته باشیم و اعتماد کنیم. هرچه قدر که به خداوند حسن‌ظن داشته باشیم، خداوند خیر را به سمت ما سرازیر خواهد کرد و اگر سوءظن داشته باشیم خداوند همان شر را به سمت ما سرازیر خواهد کرد.

این مسئله که حسن‌ظن به خدا چه آثاری می‌تواند داشته باشد مسائلی اصلی این تحقیق می‌باشد که در ضمن مباحثی از کلمات رهبر شهید انقلا و علامه طباطبایی در صد پاسخگویی به آن خواهیم بود.

بیشترین بحثی که در لابه‌لای کتب اخلاقی حول محور ظن به چشم می‌خورد بحث سوءظن می‌باشد. مقالات و کتاب‌ها همین موضوع را توضیح داده‌اند. در اندک مواردی که به موضوع حسن‌ظن پرداخته شده عبارت است از:

۱: کتاب حسن‌ظن (۱۳۸۵)، علی رضایی، نشر گنج؛ این کتاب بعد از معانی حسن‌ظن، از اقسام حسن‌ظن، آثار فردی و اجتماعی و نقش آن در همکاری و اعتماد اجتماعی و نظام اجتماعی سخن به میان آمده و به کارکردها و تأثیرات آن در محیط خانواده اشاره کرده است. نکته تفاوت کار این تحقیق با تحقیق بنده در پرداختن به اثر حسن‌ظن به صورت تطبیقی و با توجه به بیانات رهبر شهید انقلاب و علامه طباطبایی می‌باشد.

۲: سیدحسن عرب (۱۳۹۰)، حسن‌ظن و سوءظن، نشر میزان؛ در این کتاب به موارد حسن‌ظن و سوءظن و آثار آن در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته است و بیشتر به آثار اجتماعی آن اشاره کرده است؛ یعنی نویسنده با حسن‌ظن به خدا که بحثی معرفتی است کاری نداشته است. نکته تفاوت کار این تحقیق با تحقیق بنده در پرداختن به اثر حسن‌ظن به صورت تطبیقی و با توجه به بیانات رهبر شهید انقلاب رحمته و علامه طباطبایی رحمته می‌باشد.

مقالات

۱. پرکان، حسین؛ ابراهیمی، رقیه (۱۳۹۸)، «تبیین دلالت‌های حسن‌ظن در سازمان با توجه به آموزه‌های اسلامی»، *مجله اسلام و مطالعات اجتماعی*، پاییز، شماره ۲۶؛ با توجه به محتوای این مقاله براساس آیات و روایات، می‌توان منشأ حسن‌ظن و روش‌های ارتقا آن در سازمان را استخراج کرد. اثرات مثبت حسن‌ظن برای سازمان نظیر تقویت ارتباطات سازمانی، کاهش اضطراب و استرس، تسهیل عملکرد، افزایش اعتماد و ارزشیابی صحیح کارکنان نیز از موارد دیگری است که این پژوهش به آن‌ها دست یافته است. نکته تفاوت کار این تحقیق با تحقیق بنده در پرداختن به اثر حسن‌ظن به صورت تطبیقی و با توجه به بیانات رهبر شهید انقلاب و علامه طباطبایی می‌باشد.

۲. مظفری، حسین (۱۳۹۸)، «تأثیر خوش‌گمانی به خداوند در سعادت دنیا و آخرت»، *مجله معرفت/اخلاقی*، سال دهم، پاییز و زمستان، شماره ۲ (۲۶). این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با بررسی، تنظیم و جمع‌بندی آیات و روایات و بعضاً مراجعه به تفاسیر، به بررسی نقش و تأثیر «خوش‌گمانی به خداوند»، در سعادت انسان پرداخته است. نکته تفاوت کار این تحقیق با تحقیق بنده در پرداختن به اثر حسن‌ظن به صورت تطبیقی و با توجه به بیانات رهبر شهید انقلاب و علامه طباطبایی می‌باشد.

با توجه این‌که حسن‌ظن داشتن به خدا یکی از منابع و دریچه‌های اصلی خیر الهی بوده که باعث سعادت و خیر انسان در دنیا و آخرت می‌شود، ضرورت دارد که به این موضوع از نگاه دو دانشمند اسلام (آیت‌الله خامنه‌ای و علامه طباطبایی) نگاه ویژه و تحقیق مفصل صورت گیرد.

بدین صورت اهداف این تحقیق عبارت است از پرداختن به:

۱. بررسی و تحلیل معنای حسن‌ظن؛

۲. تبیین آثار حسن‌ظن به خدا با تکیه بر بیانات رهبر شهید انقلاب و تفسیر/امیزان.

مفهوم‌شناسی

ظن در قدیمی‌ترین فرهنگی لغت عرب به معنای یقین و شک آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ص ۱۵۲). ابن‌فارس برای ظن دو معنای اصلی را ذکر کرده است یکی یقین و دیگری شک (ابن‌فارس، ۱۴۰۹ ق، ص ۵۹۴). ابن‌منظور نیز معنای ظن را دو معنای شک و یقین می‌داند (ابن‌منظور، ج ۸، ذیل ماده ظن). راغب اصفهانی ظن را به حالتی اختصاص

می‌دهد که از روی اماره و نشانه حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۴).
 ظن در اصطلاح از دیدگاه علامه نراقی این‌گونه تبیین شده است که «الظن هو الطرف
 الراجح لمیل النفس الیه» گمان آن طرف راجح است که مایه گرایش روان انسان به‌سوی آن
 می‌باشد (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۱۸). این تعریف برای ظن در علم اخلاق نیز آورده شده
 است (گروه پژوهشی علوم و قرآن حدیث دانشگاه رضوی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۰). در قاموس
 نیز ظن به‌معنای احتمال قوی تعریف شده است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۷۳).
 حسن لفظی است که در کنار ملاحظه برای زیبایی امری به‌کار برده می‌شود و این لفظ،
 لفظی قرآنی هست که در فارسی به نیکویی تعبیه شده است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص
 ۱۳۳).

حسن ظن از صفات نیک و پسندیده اخلاقی به‌معنای خوش‌بینی و گمان نیک در حق
 خداوند، فعل و انفعالات جهان و دیگران تعریف شده است؛ در برابر سوءظن که به‌معنای
 بدبینی می‌باشد (همان، ج ۲، ص ۱۳۴).

حسن ظن، از صفات نیک و پسندیده اخلاقی، به‌معنای خوش‌بینی و گمان نیک در حق
 دیگران، در برابر سوءظن، به‌معنای بدبینی و بدگمانی به دیگران می‌باشد. حال برای تکمیل
 و ورود به بحث حسن ظن به خدا، مطالبی را که در قرآن کریم و روایات نسبت به این
 موضوع وارد شده است اشاره می‌کنیم. انسان علاوه بر ارتباط با هم‌نوعان خود، در مرتبه
 عالی تر با خداوند ارتباط دارد و این ارتباط بایستی با ظن خیر همراه باشد و ظن خیر انجام
 عمل خالص برای خدا می‌باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حسن الظن ان تخلص العمل و ترجو من الله ان يعفو عن
 الزلل؛ خوش‌گمانی نسبت به خدا آن است که عمل را خالص گردانی و امیدوار باشی که از
 لغزش‌های تو بگذرد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۲۵۲).

روایتی منسوب به حضرت داود علیه السلام است که حضرت به خداوند عرضه داشت: «یا رب ما
 آمن بك من عرفك فلم يحسن الظن بك؛ ای خدای من، آن‌که تو را شناخت ولی به تو
 خوش‌گمان نبود، به تو ایمان نیاورده است» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۶۸، ص ۱۴۶).

این روایت بیان می‌کند که حسن ظن به خدا مستلزم داشتن ایمان قوی به حضرت حق
 می‌باشد و داشتن حسن ظن دلیل دیگری نیز می‌خواهد و آن شناخت خداوند است. انسان
 جاهل قطعاً نمی‌تواند به خداوند خوش‌بین باشد؛ زیرا کسی که اطلاع از رحمت و حکمت
 خداوند ندارد چگونه می‌تواند به خدا خوش‌بین باشد؛ بنابراین انسان، دانا و زیرک است که

می‌تواند با داشتن ایمان قوی، خدا را شناخته و به رحمت و قدرت او امیدوار و خوش‌بین باشد.

مقصود از حسن‌ظن مطلق مطرح شده، حسن‌ظن به تمام پدیده‌های هستی اعم از خدا، خود، هموعان، کائنات و جهان هستی و تمام اعتقادات می‌باشد و مقصود نگرش مثبت به تمام این پدیده‌ها است؛ به عبارت واضح‌تر یعنی وجود همه این پدیده‌ها برای سعادت بشر است و یک انسان کامل باید به تمامی این پدیده‌ها خوش‌بین باشد.

اما حسن‌ظن مطرح شده در این فصل را برطبق حدیثی از امام صادق (علیه السلام) بیان می‌کنیم؛ علی بن ابراهیم... از سفیان بن عیینه گوید: شنیدم که حضرت صادق (علیه السلام) می‌فرمود «حسن‌ظن به خدا و انتظار لطف و کرم از او چنین است که به جز او به کسی امید نداشته باشی و از هیچ چیز به جز گناه و معصیت خود نترسی».

در توضیح این حدیث شریف چنین استفاده می‌شود که معنای حسن‌ظن به خدا و امید داشتن به لطف و کرم او این نیست که انسان از انجام وظائف خودداری کرده و بی‌خیال لطف و بخشش خداوندی، در میدان گناه بتازد، بلکه به این معنا است که درعین حال که وظایف و اعمال خود را مرتب و منظم انجام می‌دهد، اعتماد و پشت‌گرمی به عمل نداشته باشد و با همین عملکرد امید به لطف خداوندی داشته که با فضل و کرم خویش این اعمال را بپذیرد و خوف و ترسش از قصور و کوتاهی در عمل و از گناه خود بترسد نه خدا؛ پس حسن‌ظن با خوف و حالت خشیت، نه تنها منافات ندارد، بلکه باید حسن‌ظن و رجا با خوف و ترس منظم باشد» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۶۷ و ۶۸، ص ۲۷۶ و ۲۷۷).

آثار حسن‌ظن به خدا در آموزه‌های اسلامی با تأکید بر آراء رهبر شهید انقلاب و علامه طباطبایی

الف: آثار حسن‌ظن از منظر رهبر شهید انقلاب

در این بخش به دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در مورد حسن‌ظن اشاره می‌شود.

۱. مشاهده تفسیر و ترجمه آیات الهی در واقعیت‌های زندگی‌مان

ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود به لزوم داشتن حسن‌ظن در زندگی فردی و اجتماعی اشاره کرده است و می‌توان فرموده ایشان را این‌گونه تحلیل کرد که آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) بر این معتقد است در صورتی که حسن‌ظن به خدا داشته باشیم، در زندگی‌های فردی و اجتماعی‌مان به مرحله‌ای خواهیم رسید که درک عمیقی از واقعیت‌های زندگی خواهیم

داشت و این از حسن ظن به خدا حاصل شده است.

ایشان این گونه فرموده است که در اثر کثرت حسن ظن به خدا، تفسیر و ترجمه آیات الهی در واقعیت های زندگی مان را مشاهده خواهیم کرد: «به خدای متعال باید حسن ظن داشته باشیم که در صورت کاربرد این امر مهم در زندگی فردی و اجتماعی مان، تفسیر و ترجمه آیات الهی در واقعیت های زندگی مان را به عینه مشاهده خواهیم کرد. خداوند متعال ملامت می کند آن کسانی را که به او حسن ظن ندارند؛ سوء ظن به خدا دارند. سوء ظن به خدا چیست؟ سوء ظن به خدا این است که انسان خیال کند این که فرموده است: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» خلاف واقع است؛ یا این که فرموده است: «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»، وعده تخلف پذیری است. آن وقت خدای متعال در سوره فتح می فرماید: «وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ»؛ خصوصیت مشرکین و مشرکات و منافقین و منافقات این است که به خدا سوء ظن دارند. بعد می فرماید: «عليهم دائرة السوء و غضب الله عليهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و ساءت مصيرا». نباید به خدا سوء ظن داشت. خدای متعال گفته است: اگر برای من، برای پیشبرد دین من، برای احیای ارزش های مورد قبول من حرکت کنید، اقدام کنید، من به شما کمک می کنم. این راست است، این وعده الهی است. فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ هرکسی که مؤمن به خداست، خدا از او دفاع می کند. خب، خیلی از مؤمنین در دنیا هستند، خدا از آن ها دفاع نکرده - مؤمنینی که زیر لگد مستکبرین دارند له می شوند - چرا؟ این به خاطر این است که به سنت های دیگر الهی عمل نشده است؛ به خاطر این است که حرکت نشده، قیام نشده، اقدام نشده؛ بنابراین مجاهدت لازم است، تلاش لازم است. یک ملتی اگر مؤمن به خدا بود، اما تلاش نکرد، مجاهدت نکرد، البته لگد مال می شود؛ آن «يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» دیگر اینجا را نمی گیرد. این ایمان باید با مجاهدت همراه باشد، آن وقت خدای متعال آن وعده را عملی خواهد کرد. معنای «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ» این است که باید حرکت کرد، باید اقدام کرد، باید تصمیم گرفت. این همان مبارزه مقدسی است که یک مؤمن عمر خود را وقف آن می کند. خب، نقطه مقابلش هم میل به راحت طلبی است. مبارزه در دسر دارد؛ شکی نیست. هر حرکت دشواری در راه هر آرمان بلندی، نفس راحت طلب عافیت جوی انسان را می آزارد. انسان میل به راحت طلبی دارد. اگر بر این میل فائق آمدیم، اگر توانستیم همت خود را، نیروی خود را در راه این آرمان ها بسیج کنیم، البته سختی هایی دارد، اما رسیدن به قله، موفقیت را هم دارد.

شما امروز را در جمهوری اسلامی مقایسه کنید با سال‌های اول انقلاب؛ سال‌های غربت، سال‌های تنگدستی و تهیدستی، سال‌های سختی همه‌جانبه؛ این‌طرف جنگ، آن‌طرف تحریم‌های بین‌المللی، آن‌طرف بستن همه راه‌ها به روی ما. این‌ها حرف‌هایی است که تکرار شده، شماها هم می‌دانید. شماها خودتان هم آن روزها در همین عرصه‌ها و میدان‌ها بوده‌اید - یا در سپاه یا در بسیج یا در مجموعه‌های فعال - سختی‌ها را دیده‌اید. امروز را هم نگاه کنید. امروز جمهوری اسلامی گردنی برافراشته دارد؛ درحالی‌که شعارهایی که سی سال پیش می‌داده، امروز در کشورهایی که سی سال با ما دشمنی کردند، دارد تکرار می‌شود. این‌ها موفقیت نیست؟ این‌ها پیشرفت نیست؟

من در آن جلسه بیداری اسلامی گفتم که اوایل انقلاب جزو چیزهایی که ما تصور می‌کردیم، این بود که بازتاب حرکت انقلابی ما در کشورهای گوناگون اسلامی و در درجه اول در مصر تحقق پیدا کند. از مصر هیچ صدایی بلند نمی‌شد - حالا من آنجا یک شعر عربی خواندم؛ عرب‌هایی که در جلسه بودند، فهمیدند که من چه دارم می‌گویم - اما امروز این مصر، مصر حسنی مبارک، مصر انورالسادات، مصر پناه دهنده به محمدرضا شاه مطرود از همه‌جا حتی از آمریکا، در اختیار مردمی است که شعار الله اکبر می‌دهند، نماز جماعت می‌خوانند، شعار اسلامی می‌دهند، حکومت اسلامی را مطرح می‌کنند. پیشرفت یعنی این، استحکام یعنی این، قدرت یعنی این. هیچ کار نداریم به این که بگوییم آن‌ها از کی یاد گرفتند؛ خوب است این حساسیت‌ها را اصلاً ایجاد نکنیم. چه لزومی دارد بگوییم آن‌ها از کی الهام گرفتند؟ نه، بحث الهام گرفتن نیست؛ بحث این است که حرفی که ما سی سال است داریم می‌زنیم، امروز در شمال آفریقا، در خاورمیانه، در خلیج فارس، این حرف سبز شده. امروز ایران اسلامی این است. همه این تلاشی هم که شما مشاهده می‌کنید علیه جمهوری اسلامی می‌شود - تحریم‌های همه‌جانبه، کارهای گوناگون، فشارهای سیاسی، تبلیغات مختلف - به خاطر این موفقیتی است که جمهوری اسلامی به دست آورده. این‌ها معنایش همان «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» است، این‌ها معنایش همان «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» است، اینها تفسیر و ترجمه «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» است. ما دیگر در کتاب، این‌ها را نگاه نمی‌کنیم؛ ما توی واقعیت زندگی‌مان داریم تفسیر این آیات را مشاهده می‌کنیم. واقعیت‌های زندگی دارد این را به ما نشان می‌دهد» (بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۹۰ / ۱۰ / ۰۷).

این‌که در واقعیت‌های زندگی می‌توانیم تفسیر حسن‌ظن به خدا را مشاهده کنیم از

مواردی است که این بزرگوار در این بخش از سخنرانی خود به آن اشاره کرده است.

۲. نزول رحمت الهی

ایشان در دیگر سخنرانی خود به مورد مذمت قرار گرفتن سوءظن به خدا اشاره کرده است و با اندک تحلیلی از این سخن ایشان، می‌توان به این مطلب رسید که کسی که حسن‌ظن به خدا نداشته باشد، مستوجب رحمت الهی نخواهد شد؛ چرا که به خدای قادر و متعال، ظنی برده که در شأن او نبوده است و با صفات حق تعالی در تعارض بوده است.

ایشان این‌گونه فرموده است: «ما باید به خدای متعال حسن‌ظن داشته باشیم. خدای متعال مذمت می‌کند کسانی را که به او سوءظن دارند: «وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوِّ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوِّ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا». ما باید به خدای متعال حسن‌ظن داشته باشیم، سوءظن به خدا نداشته باشیم. ما کجا، کی عمل کردیم و اقدام کردیم و خدا به ما کمک نکرده؟ اگر به این آیه و آیات اخلاقی دیگر قرآن عمل کنیم خداوند متعال رحمت خود را سرازیر ما خواهد کرد و به ما در کشف حقایق از جاهایی که انتظارش را نداریم کمک خواهد کرد. آن جایی که ما دچار مشکل شدیم، دچار ضعف و شکست شدیم، آن جایی است که عمل نکردیم، حق عمل را ادا نکردیم» (بیانات در دیدار رؤسای قضایی کشورهای اسلام ۱۳۸۶/۰۹/۱۴).

ب) آثار حسن‌ظن به خدا براساس کلام علامه طباطبایی

حسن‌ظن به خدا یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است که آثار و فواید بسیار زیادی دارد. به برخی از آثار حسن‌ظن از منظر علامه طباطبایی اشاره می‌کنیم:

۱. حفظ و استواری ایمان

علامه بر این معتقد است که استواری ایمان از آثار حسن‌ظن به خداست. با تحلیلی از کلمات علامه در این باره این دریافت می‌شود که تا زمانی که دیدگاه ما نسبت به خدا، همسو با صفات قدرت و علم او نباشد، ایمان محکم و استواری نخواهیم داشت.

پس به نظر علامه یکی از آثار حسن‌ظن به خدا، ثبات قدم و استواری ایمان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۹۸). در مسیر حفظ ایمان و دینداری، دشواری‌ها و فراز و نشیب‌های بسیاری وجود دارد که غلبه بر آن‌ها، تنها در سایه اعتماد به وعده خداوند، مبنی

بر نصرت و یاری مؤمنان و تکیه بر قدرت لایزال او امکان‌پذیر خواهد بود:

«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ ما پیامبران و مؤمنان را در زندگی دنیا و در روز قیامت که شاهدان برای شهادت برپا می‌خیزند، یاری می‌کنیم» (غافر، ۵۱).

داشتن ایمان به نوعی هم عامل خوش‌گمانی به خداوند متعال است و هم می‌تواند از آثار آن باشد. نگهداری و حفاظت از ایمان و محکم و پابرجا ماندن در ایمان، خود به نوعی نتیجه خوش‌بینی به خداوند متعال است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «حُسْنُ الظَّنِّ أَصْلُهُ مِنْ حُسْنِ إِيْمَانِ الْمَرْءِ وَسَلَامَةِ صَدْرِهِ». امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید حسن‌ظن و گمان نیک، از حسن ایمان ناشی می‌شود؛ هر مقدار که آدمی ایمانش محکم‌تر است و سینه‌اش از تیرگی و سیاهی سالم‌تر است، حسن‌ظن او به خدا بیشتر است. در ادامه حضرت می‌فرماید «وَعَلَامَتُهُ أَنْ يَرَى كُلَّ مَا نَظَرَ إِلَيْهِ بَعَيْنِ الطَّهَارَةِ وَالْفَضْلِ مِنْ حَيْثُ رَكَّبَ فِيهِ وَقَذَفَ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحَيَاةِ وَالْأَمَانَةِ وَالصِّيَانَةِ وَالصَّدَقِ». علامت حسن‌ظن و نشانه اتصاف آدمی به این وصف شریف، آن است که به هر چه نظر کند غیرخوبی نبیند و عیب بین نباشد؛ چراکه خداوند عالم جل‌شأنه، ترکیب کرده است در بدن انسان و جا داده است در نفس او، صفتهای چندی که نیست مقتضای آن صفتهای مگر حسن‌ظن.

یکی از آن، صفت حیا است و تقاضا کردن او حسن‌ظن را ظاهر است، چه حمل افعال مؤمنین بر بدی، با وجود احتمال خوبی، منافی حیا است، دوم صفت امانت، چرا که در پی عیب جوئی مؤمنان بودن و با وجود بودن خوبی و نیکویی در ایشان، خوبی ندیدن و بدی دیدن، عین خیانت است و همچنین دو صفت دیگر که صیانت است و صدق نیز، مقتضای حسن‌ظن‌اند، چنان‌که ظاهر است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ص ۵۱۶).

۲. عبادت و اطاعت

با دقت در کلامات علامه به این مطلب می‌رسیم که عبادت و اطاعت هم از آثار حسن‌ظن به خداست. می‌توان کلام علامه را این‌گونه تحلیل کرد که تا زمانی که حسن‌ظن به خدا نداشته باشیم، در عبادت و اطاعت خدا هم مشکل خواهیم داشت؛ یعنی باید دیدگاهمان نسبت به افعال خداوند تغییر کند تا منجر به حدوث تغییر در افعال ما و ثبوت عبادت در نفس ما بشود.

حسن ظن به خدا و اطاعت پروردگار ارتباط جدانشدنی از هم دارند، عبادت و اطاعت پروردگار نتیجه حسن ظن به خدا است، تا زمانی که انسان حسن ظن و امید به تحقق وعده های الهی نداشته باشد، چگونه خدا را اطاعت کند و از آن طرف نیز این بیان صادق است، انسانی که امید و حسن ظن به پروردگار خویش ندارد، اطاعت و عبادت او ارزش چندانی ندارد؛ یعنی کسی که سوءظن به خدا دارد، اطاعت و عبادت او ارزشی در پیشگاه خداوند ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۹۹).

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خداوند تبارک و تعالی می فرماید کسانی که برای ثواب من کاری می کنند، نباید به اعمالی که انجام می دهند تکیه کنند؛ زیرا ایشان اگر در تمام عمر خود کوشش کنند و در راه عبادت من، خود را به زحمت اندازند، باز مقصر باشند و در عبادت خود به کنه بندگی نرسند و نسبت به آنچه از من طلب می کنند، که کرامت و نعمت در بهشت و رفعت به درجات عالی در جوارم باشد، ولی فقط به رحمت من باید اعتماد کنند و به فضل امیدوار باشند و به حسن ظن به من اطمینان داشته باشند. آن گاه است که رحمت من ایشان را دریابد و رضوانم به آن ها برسد و آمرزشم بر آن ها لباس گذشت پوشاند؛ زیرا من خدای رحمان و رحیمم و به این اسم نامیده شده ام» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۱۵).

«ذکر عبادی من آلائى ونعمائى، فإنهم لم یروا منى إلّا الحسن الجمیل لئلا یظنّوا فى الباقى إلّا مثل الذی سلف منى إلیهم، وحسن الظنّ یدعو إلی حسن العبادۃ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۲۵۱)؛ خداوند می فرماید: به نعمت های من توجه نموده و آن ها را به خاطر داشته باشید؛ در این صورت این ذهنیت در شما به وجود می آید که در آینده نیز مثل گذشته از نعمت ها برخوردار شوید. در نتیجه، خوش بینی در شما به وجود می آید و خوش بینی شما را به رفتار مثبت یعنی عبادت وامی دارد.

به عبارتی دیگر حسن ظن مقدمه ورود به عبادت است و اساس عبادت داشتن حسن ظن به خداست.

۳. استجابت دعا

علامه استجابت دعا را نیز از آثار حسن ظن به خدا می داند؛ یعنی این که تا زمانی که حسن ظن به خدا نداشته باشیم، چطور می توانیم از خداوند متعال درخواست و طلب چیزی کنیم. این گونه می توان تحلیل کرد تا زمانی که اعتقاد به صفت قدرت خدا نداشته باشیم، نمی توان امری را خواست که در اعتقاد انسان نیست.

پس یکی از دیگر آثار شیرین خوش‌گمانی به حضرت حق برآورده شدن دعاها و خواسته‌هاست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۰۰) و این راه ساده‌ترین راه برای مستجاب شدن دعاهاست و انسان می‌تواند با ذهنی پاک و سالم و با گمانی نیکو استجاب دعا‌های خود را از خداوند دریافت کند. خداوند تعالی فرمود: «وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا» (اعراف، ۵۶) و او را به ترس و امید بخوانید و در حدیث قدسی آمده من به محض گمان بنده‌ام به نزد او هستم؛ پس بنده من گمانی جز گمان نیکو به من نبرد.

رسول خدا ﷺ به ایشان فرمود: «خدای را بخوانید درحالی که یقین به اجابت دارید» و از جمله چیزهایی که خدای تعالی به حضرت موسی (علیه السلام) وحی کرد این که: «ای موسی مادامی که مرا بخوانی و امیدوار به من باشی من تو را می‌بخشم». سلیمان بن فراء از مردی از ابی عبدالله امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که حضرت فرمود: «وقتی خدای را خواندی حاجت خود را بر در خانه بدان» و در روایت دیگری آمده است: «با دلت به خدا روی آور و حاجت خود را بر در خانه بدان» (ابن‌فهد حلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۲۹).

پس معلوم است که از آثار و برکات فراوان خوش بین بودن به حضرت حق، استجاب دعاست. دانستن این مسئله که اگر انسانی با خوش‌گمانی به خداوند متعال دعا‌هایش مستجاب می‌شود، تأثیر زیادی بر نگرش و حتی نوع زندگی بشر امروز خواهد داشت. خیلی از مردم با خدای خود قهر می‌کنند و گمان بدی نسبت به او دارند، عمده دلیل این کار جهل و غفلت انسان از مسئله می‌باشد؛ زیرا دانستن این موضوع تأثیر عجیبی در روند زندگی انسان خواهد داشت.

۴. جلب منفعت

با دقتی در کلمات علامه دریافت می‌شود که یکی دیگر از آثار حسن‌ظن به خدا، جلب منفعت است. این‌گونه کلام علامه را می‌توان تحلیل و جمع‌بندی کرد که با حسن‌ظن به خدا، منافع دنیوی و اخروی به سمت انسان سرازیر می‌شود و این یک امر تکوینی است که خداوند در سایه حسن‌ظن به او در انسان پدیدار می‌کند.

پس یکی دیگر از راه‌های کسب منفعت و سود دنیا و آخرت، داشتن حسن‌ظن و گمان نیک به خداوند متعال است که در گفتار معصومین به این موضوع تأکید شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۰۱). خیر در این حدیث همان منفعت مادی و معنوی انسان است که در بحث مادی تفسیرهای گوناگونی می‌توان در مورد آن بیان کرد. این‌که در

کسب و کار کسی که حسن ظن دارد بی گمان حسن برخورد نیز دارد و این باعث تعامل در کسب و کار و توسعه رزق و روزی خواهد شد، از برکات داشتن حسن ظن است.

امام باقر (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: «در کتاب علیّ/العلی پیدا کردیم که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به بالای منبر فرمودند: «سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست، هیچ مؤمنی به خیر دنیا و آخرت نمی رسد، مگر این که به خدا حسن ظن داشته باشد و امیدوار گردد...» (مجلسی، ج ۲، ص ۶۴). خیر دنیا و آخرت در حدیث عنوان بزرگی است که در دنیا شامل انواع خوبی ها و در آخرت نیز جایگاه های ویژه ای که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است می شود؛ حال این همه خیر و برکتی که ما می خواهیم به دست آوریم چگونگی دستیابی به آن در کلام زیبای امام باقر (علیه السلام) به داشتن حسن ظن به خدا وابسته است و این که ما خدای تبارک و تعالی را مبدأ همه خیرات و برکات بدانیم. این عمل قطعاً تأمین کننده سعادت ما خواهد بود.

۵. صبر

از دیگر آثار حسن ظن به خدا در کلام علامه، پدیدار شدن خصلت صبر است. کلام علامه را این گونه می توان تحلیل و جمع بندی کرد که حسن ظن به خدا به دلیل این که تمامی افعال و اعمال را با پشتوانه ای الهی می نگریم، چون فاعل را خدا می بینیم، اگرچه آن اتفاق ناخوشایند باشد، اما صبر خواهیم کرد.

انسانی که خدا را باور دارد و به او خوش گمان است، به طور طبیعی انسان صبوری نیز خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۰۲). برای بررسی مفهوم صبر که از آثار برجسته حسن ظن به خداست، ابتدا معنی و مفهوم صبر را از نگاه خواجه عبدالله انصاری می خوانیم: «نگاهداری نفس از شکایت بر جزع مستور» (شیروانی، ج ۱، ص ۴۹)؛ صبر در واقع امر جزع باطنی نهفته است و از برجسته ترین آثار حسن ظن صبر کردن بر مشکلات است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) ارتباط صبر با حسن ظن به خدا را این گونه بیان می فرماید:

«قال رسول الله: الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثَمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ وَ مَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحُومِ الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ؛ رسول

خدا ﷻ فرمود: صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از گناه؛ پس هر که بر مصیبت صبر کند تا آن را با تسلی خوبی رد کند، خدا برایش ۳۰۰ درجه نوپسند که میان هر درجه تا درجه دیگر به اندازه فاصله میان آسمان و زمین باشد و هر که بر طاعت صبر کند خدا برایش ۲۰۰ درجه نوپسند که میان هر درجه تا درجه دیگر به اندازه فاصله میان قعر زمین تا عرش باشد و هر که از گناه صبر کند، خدا برایش ۹۰۰ درجه نوپسند که میان هر دو درجه به اندازه فاصله میان قعر زمین تا پایان عرش باشد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۴۶).

داشتن صبر یعنی اعتقاد و حسن‌ظن به رحمت و رأفت خداوند؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ»؛ او را بنده‌ای صابر یافتیم. او که همواره روی به درگاه ما داشت چه نیکو بنده‌ای بود». (ص، ۳۸)

آیه شریفه اشاره به داستان حضرت ایوب و عظمت ایوب ﷺ دارد و در جای دیگر خداوند می‌فرماید: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛ و ایوب را یاد کن آن‌گاه که پروردگارش را ندا داد: به من بیماری و رنج رسیده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی» (انبیاء، ۸۳). حضرت ایوب ﷺ با این‌که با کوهی از مشکلات و مصائب روبه‌رو بود، اما همه این مصیبت‌ها را از رحمت و حکمت خداوند می‌دانست و معتقد بود که خداوند بر مبنای رحمت خود نیز می‌تواند این مشکلات را دفع کند.

حسن‌ظن حضرت ایوب ﷺ بالاخره او را پیروز بر شیاطین کرد و او طعم شیرین صبر و حسن‌ظن و امید به پروردگار خود را چشید و این کمال رأفت و رحمت و حکمت خداوند را می‌رساند که انسان با امید و خوش‌گمانی به حضرت حق، نتایج بزرگی را در دنیا و آخرت نصیب خود خواهد کرد.

۶. توکل

یکی دیگر از آثار حسن‌ظن به خدا طبق فرمایشات علامه، توکل بر خداوند است. با تحلیل و جمع‌بندی از کلمات علامه به این مطلب می‌رسیم که چون فاعل تمامی اتفاقات را خداوند می‌بینیم و به او اعتماد داریم، در نتیجه اگرچه آن اتفاق ناخوشایند باشد، باز توکل خواهیم کرد؛ پس توکل نیز یکی از آثار خوش‌گمانی به خداوند است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۰۳). برای سهولت مطلب ابتدا معنای توکل را بیان می‌کنیم.

«توکل» از ماده وکالت به معنی سپردن کارها به دیگری است. راغب در مفردات خود

می‌گوید: «التوکیل أن تعتمد علی غیرک وتجعله نائباً عنک، والوکیل فعیل بمعنی المفعول. قال تعالی: و کفی بالله وکیلاً» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۸۸۲).

امر خداوند متعال به توکل از روشن ترین دلایل کرم و محبت بسیار پروردگار نسبت به بندگانی است که به او حسن ظن دارند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید» (مائده، ۲۳) و از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال شد که میزان توکل چیست؟ فرمود: «أَلَّا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً؛ این که از چیزی جز خدا نترسی». کسی که به خدا حسن ظن داشته باشد، از غیر او ترسی ندارد (ابن فهد حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷).

این دو (توکل و حسن ظن) هر دو مخصوص خدا بوده و از ایمان نشئت می‌گیرد. بی‌تردید کسی که به خدا حسن ظن دارد و او را توانا و دانا برای برعهده گرفتن امور دارد بر او توکل می‌کند و انسانی که وکالت امور خود را به خدا سپرد، قطعاً به خدا حسن ظن دارد و به او اطمینان کامل دارد و خود را در مسیر سعادت قرار داده است.

وکالت در امور عادی زندگی به این معنی است که انسان به تنهایی قادر به انجام کارهای خود نیست و کسی را به عنوان وکیل برای انجام کار قرار می‌دهد، اما این حقیقت درباره «توکل انسان بر خدا» نیز جاری است و انسان باید برای جبران ضعف خود، نه تنها از اسباب مادی، بلکه به نیروی غیبی و قدرت بی‌پایان تکیه کند و از خدا استمداد بجوید.

انسان برای دستیابی به اهداف زندگی به اسباب مادی و روحی نیاز دارد و هرچه هدف بزرگ‌تر باشد، این نیاز افزون‌تر خواهد بود؛ به‌دیگر جهت چون سستی اراده، غم و اندوه، نومیدی و... در تضعیف قوای روحی مؤثرند، که اگر انسان از سوی منبع پر قدرتی تقویت روحیه نشود، در صحنه‌های زندگی کم می‌آورد، اما اگر امور خود را به مسبب‌الاسباب بسپارد و دل به او ببندد، قطعاً مورد حمایت او قرار خواهد گرفت. خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ هر کس بر خدا توکل کند خدا او را کافی است» (طلاق، ۳).

امام رضا (علیه السلام) در خصوص حد توکل می‌فرماید: «أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ این که با داشتن خدا از هیچ کس نترسی» (مجلسی، ۱۴۰۲، ق، ج ۷۱، ص ۱۳۴). تکیه بر خداوند مایه آرامش و اطمینان است، در این حالت ترس برای انسان معنا ندارد.

انتظار از غیر خدا به نوعی شک در کار خداست، پس باید هرچه خواست خداست بر تمام خواسته‌های انسان مقدم شود. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «التَّوَكُّلُ التَّبَرُّيُّ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ، وَ انْتِظَارُ مَا يَأْتِي بِهِ الْقَدَرُ؛ حقیقت توکل، یعنی بریدن از توان خود و دیده دوختن به آنچه

قضا و قدر الهی پیش می‌آورد» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۸۰؛ الهامی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۵۷ و ۵۸).

انسان وقتی بر خدا توکل کرد از حالت شک بیرون می‌آید، به نصرت و یاری خداوند امیدوار می‌شود؛ لذا می‌تواند به صورت قاطعانه تصمیم‌گیری کند. در حالت توکل به خدا، فرد احساس می‌کند که خداوند او را یاری خواهد کرد؛ لذا با قدرت هرچه تمام‌تر، اقدام می‌کند. زمانی انسان بر کسی یا قدرتی توکل می‌کند که به او اعتماد و به اعمال و رفتار او خوش بین باشد و داشتن چنین توکلی به خداوند جز به داشتن حسن‌ظن نیست. ابتدا انسان باید حسن‌ظن به خدا داشته باشد تا توکل کند.

۷. امیدواری به خدا

یکی دیگر از آثار لاینفک حسن‌ظن به خدا، امیدواری به خداوند متعال است. با تحلیل و جمع‌بندی کلمات علامه به این نتیجه می‌رسیم که حسن‌ظن به خدا به دلیل این که به خدا اعتماد داریم، نوعی امید در دل بنده ایجاد خواهد کرد و او را به آینده امیدوار خواهد کرد. خداوند در قرآن کریم امید به خدا را مساوی با عدم خسران می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۰۴) و اطمینان قلبی می‌دهند که اگر انسان اعمال خود را اعم از نماز و انفاق و دیگر اعمال را به همراه امید به خدا انجام دهد، نه تنها ضرر و زیانی نخواهد دید، بلکه خداوند از خزانه غیبی خود بر آن پاداش می‌افزاید: «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ * لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ» آنان که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز می‌گذارند و از آنچه به آن‌ها داده‌ایم پنهانی و آشکارا انفاق می‌کنند، امیدوار به تجارتی هستند که هرگز زیان نمی‌کند؛ زیرا خدا پاداششان را به تمامی می‌دهد و از فضل خود چیزی بر آن می‌افزاید؛ زیرا آمرزنده و پذیرای سپاس است» (فاطر ۲۹ و ۳۰).

حسن‌ظن باعث امید و اطمینان به خدا و امید به خدا باعث ترقی درجات کمال می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و آنان که مهاجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد نموده‌اند، به رحمت خدا امید دارند و خدا آمرزنده و مهربان است». (بقره، ۲۱۸).

در معنای واقعی رجا و در جواب این انتقاد که اگر وصول به کمالات معنوی تنها در سایه

تزکیه و طهارت باطن است، پس امید داشتن به رحمت پروردگار معنایی نخواهد داشت، امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَعِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ؛ چه بسیار دانشمندانی هستند با این که علم و دانش دارند از رهگذر نادانی و جهلشان به هلاکت افتاده‌اند» (رشیدپور، ۱۳۷۴، ص ۹۰)؛ یعنی این که صرف داشتن علم، بدون امید به رحمت و بخشش خدا، گناهان باعث سقوط و هلاکت انسان می‌شود. تزکیه و طهارت باطن و داشتن علم بدون امید به فضل پروردگار، هیچ ارزشی نخواهد داشت و امید بدون اندیشه مثبت و گمان نیک، معنایی ندارد. ما از کسی می‌توانیم طلب بخشش و رحمت داشته باشیم که اندیشه و فکر ما درباره او مثبت باشد.

نتیجه‌گیری

عاقبت به‌خیری و حفظ ایمان و برآورده شدن حاجات انسان همه در گرو نگاه مثبت و اندیشه درست از خداوند متعال است و این که خدا را که مبدأ همه خیرات و برکات است به احسن وجه باور داشته باشد و نسبت به برادر دینی خود، عمل و گفته او را به بهترین وجه صحیح و ممکن تفسیر کند؛ زیرا یکی از برجسته‌ترین گرفتاری بشر امروز نگاه منفی نسبت به هم می‌باشد و راه‌هایی از این گرفتاری خوش‌بین بودن نسبت به هم می‌باشد و این که مؤمن ضمن سوءظن به خود که باعث تعالی و رشد خودش خواهد شد، بایستی از توانمندی خود غافل نشود. سوءظن به خود به معنای بدبینی به توانمندی انسان نیست، بلکه انسان می‌تواند با حسن‌ظن به توانمندی خود مسیر پیشرفت خود را نیز تکمیل کند.

در نهایت این که حسن‌ظن به جهان آفرینش، گمان نیکو داشتن به تمام پدیده‌ها و اتفاقاتی که در نگاه انسان و به ظاهر بد و منفی هستند می‌باشد؛ پس نگاه مثبت به تمام ابعاد زندگی و پدیده‌ها، زمینه رشد و سعادت بشر را فراهم خواهد کرد.

حسن‌ظن به خدا از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (علیه السلام) آثاری همچون مشاهده واقعیات زندگی در سایه حسن‌ظن به خدا و نزول رحمت الهی را دربردارد. از دیدگاه علامه طباطبایی آثار حسن‌ظن به خدا در حفظ و استواری ایمان، عبادت و اطاعت، استجاب دعا، جلب منفعت، صبر، توکل و امیدواری به خدا محصور می‌شود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

ابن اثیر، *النهاية في غريب الحديث والأثر* (بی تا). تحقیق طاهر احمد الزواری، چ ۳، بیروت: المكتبة العلمية.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). *الأمالی*، چ ۶، تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، (۱۴۰۶ ق). چ ۲، قم: دارالشریف الرضی للنشر. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۸ ق). *تحف العقول عن آل الرسول*، چ ۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۳۸۱). *آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز از ترجمه عدة الداعی*، مترجم محمد حسین نائیجی، تهران: انتشارات کیا.

ابی علی احمد بن محمد بن مسکویه (۱۳۸۱). *تهذیب الاخلاق*، چ ۳، ترجمه اصغر حلبی، تهران: انتشارات اساطیر.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف النعمه فی معرفة الاثمه*، چ ۳، تبریز: مکتبه بنی هاشمی.

اسمایلز، ساموئل (بی تا). *اعتماد به نفس*، علی دشتی، چ ۳، تهران: انتشارات جاویدان. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، چ ۴، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم.

آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۷). *غرر الحکم و درر الکلم*، سید هاشم رسولی محلاتی، چ ۳، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق) *غرر الحکم و درر الکلم*، چ ۲، قم: دارالکتب الاسلامی. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول) (۱۳۸۲). چ ۴، تهران: دنیای دانش.

جعفر بن محمد (امام ششم علیه السلام) (۱۳۶۰). *مصباح الشریعة*، مترجم حسن مصطفوی، چ ۳، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.

جمشیدی، اسدالله (۱۳۹۱). *آموزه های دینی و شیوه های رهیافت به آن ها*، چ ۳، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

حافظ، شمس الدین (۱۳۶۷). *دیوان حافظ*، تصحیح سید عبدالرحیم خلخالی، تهران: انتشارات خوشه.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه*، چ ۳، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، چ ۳، بیروت: دارالفکر.

حکیمی، محمد رضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰). *الحیة*، مترجم احمد آرام، تهران: نشر

گنج.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*، چ ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۰). *اخلاق اسلامی*، چ ۳، قم: نشر معارف.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۶). *ارشاد القلوب*، چ ۳، مترجم سلگی، قم: انتشارات ناصر.
- راغب اصفهانی (۱۳۸۵). *مفردات الفاظ القرآن*، چ ۳، بیروت: دارالکتب اسلامیه.
- رستمی، محمدحسن (۱۳۸۵). *سیمای طبیعت در قرآن*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و علة الأبرار*، چ ۵، تهران: امیرکبیر.
- رشیدپور، مجید (۱۳۷۴). *مبانی اخلاق اسلامی*، چ ۳، قم: انتشارات هجرت.
- زین الدین بن علی (۱۳۷۷). *شرح مصباح الشریعة*، ترجمه عبد الرزاق گیلانی، چ ۳، تهران: پیام حق.
- سبحانی نیا، محمدتقی (۱۳۹۲). *رفتار اخلاقی انسان با خود*، چ ۳، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- سبزواری نجفی محمد بن حبیب الله (۱۴۰۶ ق). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، چ ۳، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سماهیجی، عبدالله بن صالح (۱۳۹۶ ق). *الصحيفة العلویة و التحفة المرتضوی*، ترجمه رسولی، چ ۳، تهران: انتشارات اسلامی.
- سیلیگمن، مارتین (۱۳۸۸). از بدبینی به خوش بینی چگونه ذهن و زندگی خود را متحول سازیم، مترجم مهدی قراچه داغی، چ ۲، تهران: پیکان.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). *ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)*، مترجم فیض الاسلام اصفهانی، چ ۵، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض السلام.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). *نهج البلاغه*، مصحح صبحی صالح، چ ۳، قم: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا). *جامع الأخبار*، چ ۳، نجف: مطبعة حیدریه.
- شمس الدین ابو عبدالله محمد بن محمد بن محمد بن مکی جزینی عاملی (شهید اول) (۱۳۹۰ ق). *اللمعة الدمشقیه*، چ ۳، دارالمرتضوی للنشر.
- شیروانی، علی (۱۳۷۲). *شرح منازل السائرین*، چ ۳، تهران: الزهراء.
- صالحی زاده، محمد اسماعیل (۱۳۸۸). *محبت در قرآن*، چ ۳، قم: اشک یاس.
- صلیبا، جمیل (۱۳۶۶). *فرهنگ فلسفی واژه ها*، منوچهر صانعی دره بیدی، چ ۳، قم: انتشارات حکمت.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (بی تا). *اخلاق ناصری*، چ ۳، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- علی بن الحسین (علیه السلام) (۱۳۷۶). *صحیفه سجادیه*، دعای مکارم/اخلاق، چ ۳، قم: دفتر نشر الهادی.
- عمید حسن (بی تا). *فرهنگ فارسی*، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*، چ ۲، قم: نشر هجرت.
- فیض کاشانی، ملا محسن (بی تا). *المحجة البیضاء فی تهذیب الأحياء*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۴۱۲ ق). *قاموس قرآن*، چ ۶، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- قضای، محمد بن سلامه (۱۳۶۱). *شرح فارسی شهاب الأخبار*، کلمات قصار پیامبر خاتم النبیین، چ ۳، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، *البلد الامین والدرع الحصین*، چ ۳، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). *اصول الکافی*، چ ۳، ترجمه کمره‌ای، چ ۳، قم: اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه رضوی (۱۳۸۸). *فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*، چ ۳، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*، محقق حسین حسینی بیرجندی، چ ۳، قم: دارالحديث.
- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح (۱۴۲۹ ق). *شرح فروع الکافی*، چ ۳، قم: دارالحديث للطباعة و النشر.
- مجتبوی، سید جلال (۱۳۷۷). *علم اخلاق اسلامی*، چ ۴، تهران: حکمت.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۴). *بحار الأنوار*، مترجم موسوی همدانی، چ ۳، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۴). *مواعظ امامان علیهم السلام*، مترجم موسی خسروی، چ ۳، تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۷۸). *ایمان و کفر*، مترجم عزیزالله عطاردی قوچانی، چ ۳، تهران: عطارد.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۷۸). *مهدی موعود*، مترجم علی دوانی، چ ۲۸، تهران: اسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۲ ق). *بحار الأنوار*، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۲۲ ق). *زاد المعاد*، چ ۳، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۱۴ ق). *لواعص صاحبقرانی*، ج ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷). *میزان/الحکمه*، ج ۳، قم: دارالحدیث.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*، مترجم احمد آرام، ج ۳، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مسکویه، ابوعلی، کیمیای سعادت، مترجم میرزا ابوطالب زنجانی، تصحیح ابوالقاسم امامی، ج ۳، تهران: انتشارات نقطه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۰). *دروس فلسفه اخلاق*، ج ۳، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *اخلاق در قرآن*، ج ۳، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.
- مصطفوی حسن (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*، ج ۳، تهران: مرکز نشر کتاب.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *آشنایی با علوم اسلامی*، ج ۶، تهران: صدرا.
- معلوف، لویس (۱۳۸۶). *المنجد فی اللغة و الاعلام*، ج ۲۳، بیروت: دارالمشرق.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). *زندگی در پرتو اخلاق*، ج ۵، قم: انتشارات سرور.
- مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، ج ۳، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
- مهرابی، مهناز؛ مینا وردی (۱۳۸۲). *کمال‌گرایی مثبت/ کمال‌گرایی منفی*، ج ۳، اهواز: نشر ریش.
- مؤیدی، علی (۱۳۷۹). *فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام*، ج ۳، قم: نشر مشرقین.
- میبدی، حسین بن معین الدین (۱۴۱۱ ق). *دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام*، مترجم زمانی، ج ۳، قم: دار نداء الإسلام للنشر.
- نراقی، احمد (۱۳۷۷). *معراج السعاده*، ج ۵، قم: هجرت.
- نصری، عبدالله (۱۳۷۲). *مبانی انسان‌شناسی در قرآن*، ج ۳، بی‌جا: انتشارات فیض کاشانی.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۳، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ ق). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، ج ۴، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- الهامی نیا، علی اصغر (۱۳۸۹). *سیره اخلاقی معصومین*، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- ویلیام، کی، فرانکنا (۱۳۷۶). *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، ج ۳، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- وینسنت پیل، نرمان (۱۴۰۰ ق). *معجزه اراده*، مترجم وجیهه آرزمی، ج ۳، تهران: انتشارات انجمن اولیاء مربیان.